

## نسبت ارتباطات سیاسی با امنیت ملی ج.ا. ایران در محیط آشوب‌گون بین‌المللی

محمد محمودی کیا<sup>۱</sup>

### چکیده

**هدف:** این مقاله به دنبال ارائه پاسخی مستدل به این پرسش است که ارتباطات سیاسی چگونه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران‌های منطقه‌ای تأثیرگذار بوده است؟ این پژوهش وجه اکتشافی داشته و فرضیه‌ای برای آن قابل طرح نیست.

**روش‌شناسی پژوهش:** در این پژوهش از روش ردیابی فرایند بهره گرفته شده است.

**یافته‌ها:** یافته‌های این پژوهش از این قرار است که در بخش تولید، کنشگران دخیل در حوزه ارتباطات سیاسی همگونی معناداری میان بازیگران ذره‌ای و خرد مثل شخصیت‌ها و احزاب با شبکه‌ی رسانه‌ای رسمی کشور وجود ندارد. همچنین علی‌رغم سرمایه‌گذاری قابل توجه در بخش نظام رسانه‌ای رسمی در مقام قیاس با دیگر رسانه‌های بین‌المللی که قدمتی مشابه با آنچه در ایران هست دارند، می‌توان چنین ادعان کرد که کنش رسانه‌ای نتوانسته است ارتباط معناداری با جامعه هدف ایجاد نماید. در زمینه محتوا، مهم‌ترین دعوی رسانه‌ای جریان رقیب به تصویرسازی نسبت به نحوه مواجهه جمهوری اسلامی ایران با حقوق بشر، کنش منطقه‌ای آن و نیز برنامه هسته‌ای و موشکی کشور باز می‌گردد که نیاز است تا خوانش انتقادی از نظم موجود و ماهیت فسادآمیز آن به اطلاع افکار عمومی جهانی به بهترین شیوه ممکن رسانیده شود. در زمینه تأثیر نیز ضروری است تا در زمینه ارتقای سطح سواد رسانه‌ای جامعه اقدام مؤثری انجام شود و ابزارها و دانش لازم برای بهره‌مندی شایسته از این بستر فناورانه در اختیار ایشان قرار گیرد.

**نتیجه‌گیری:** چنانچه چالش‌های ارتباطات سیاسی برآمده از بحران‌های منطقه‌ای مرتفع نشود می‌تواند اثر مخربی بر امنیت ملی داشته باشد.

**کلیدواژه‌ها:** ارتباطات سیاسی، امنیت ملی، هویت، رسانه‌های نوین، جمهوری اسلامی ایران

## مقدمه

با عنایت به اهمیت مطالعه نحوه تولید، انتشار، و نیز پردازش اطلاعات، چه از طریق رسانه‌های جمعی و چه به صورت تصویری بر ساخته درون تعاملات اجتماعی ناشی از نظام ادراکی بینافردی، در زمینه مسائل مرتبط با روندهای کلان امنیت، سیاست و قدرت در جامعه، در نوشتار برآنیم تا به بررسی نقش ارتباطات سیاسی بر امنیت ملی کشور در محیط آشوب‌گون منطقه‌ای بپردازیم.

با توجه اهمیت روزافزون نقش رسانه‌های جمعی و به‌طور مشخص رسانه‌های نوین که بر بستر فضای سایبری و نیز تحولات شگرف در زمینه فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی امکان توسعه یافته‌اند، و همچنین نقش و تأثیر تصویرسازی‌های رسانه‌ای در برساختن واقعیت که به صورت امری بینادهنی ادراک می‌شود، ضروری به نظر می‌رسد تا مطالعات علمی هر چه بیشتر به نحوه تأثیرگذاری ارتباطات رسانه‌ای بر برساختن هویت و به تبع آن منافع ملی کشور در دوره معاصر معطوف شوند تا بتوان مانع از برساختن تصویری مخدوش از جمهوری اسلامی ایران در سطح افکار عمومی در محیط نظام بین‌المللی شد. طبعاً ورود ایران به میدان مبارزه با تهدید افراط‌گرایی دینی در سال‌های اخیر، در کارزار رسانه‌ای انعکاس فراوانی داشته و با توجه به این که امروزه واقعیت عمدتاً به عنوانی امری پسینی، برساخته و محصول تصویرسازی‌هایی دانسته می‌شود که به صورت بینادهنی به عنوان امر واقع نزد افکار عمومی جامعه ادراک می‌شود، کنش رسانه‌ای از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود. لذا، چگونگی انتشار اطلاعات و تأثیرگذاری آن بر سیاست، سیاست‌گذاران، رسانه‌های خبری و شهروندان در این میان برجسته می‌شود. بر این اساس، چنانچه کنش سیاسی و نظامی ایران، بدون توجه به پیوست ارتباطات سیاسی انجام پذیرد، می‌تواند به تمایزگذاری بین واقعیات میدانی و مشهود با تصویرسازی‌های رسانه‌های در افکار عمومی جهانی، منجر شود. از طرف دیگر با توجه به ادبیات نسبتاً فقیر بررسی‌های میان‌رشته‌ای در زمینه ارتباطات سیاسی و قدرت ملی در داخل بر ضرورت انجام تحقیقات مشابه و بررسی دقیق مؤلفه‌های تأثیرگذار بر ساخت قدرت و کنش کشور در سطح نظام بین‌الملل صحنه می‌گذارد.

این تحقیق درصدد بررسی نقش ارتباطات سیاسی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در محیط آشوب‌گون منطقه بوده و به دنبال ارائه پاسخی به این پرسش است که ارتباطات سیاسی در سه زمینه‌ی تولید (نحوه توسعه و انتقال پیام‌ها)، محتوا (آنچه در هر پیام وجود دارد) و تأثیر (نحوه دریافت و تفسیر پیام‌ها)، چگونه توانسته است بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران‌های منطقه‌ای تأثیرگذار باشد؟ با عنایت به اکتشافی بودن موضوع تحقیق، فرضیه‌ای ارائه نمی‌شود.

## تعریف مفاهیم

### ارتباطات سیاسی

ارتباطات سیاسی زیرشاخه‌ای از علم ارتباطات و علوم سیاسی است که به چگونگی انتشار اطلاعات و تأثیرگذاری آن بر سیاست، سیاست‌گذاران، رسانه‌های خبری و شهروندان می‌پردازد. از زمان ظهور شبکه

جهان گستر وب، حجم داده‌های تولیدشده به صورت شگفت‌انگیزی افزایش یافته است و محققان برای مطالعه پویایی ماهیت و نیز وجوه تأثیرگذاری آن بر دیگر شئون حیات سیاسی و اجتماعی، من جمله در زمینه تأثیرات و پیامدهای سیاسی آن همچون ارتباطات سیاسی به روش‌های محاسباتی روی آورده‌اند. در سال‌های اخیر، یادگیری ماشین، پردازش زبان طبیعی و تجزیه و تحلیل شبکه به ابزارهای کلیدی در زیر شاخه‌ها تبدیل شده‌اند. ارتباطات سیاسی به تولید، انتشار، پردازش و تأثیرات اطلاعات، هم از طریق رسانه‌های جمعی و هم به صورت بینافردی، در یک زمینه سیاسی می‌پردازد. این مسئله شامل مطالعه رسانه‌ها، تجزیه و تحلیل سخنرانی‌های سیاستمداران، سخنرانی‌هایی که می‌خواهند بر روند سیاسی تأثیر بگذارند، و گفت‌وگوهای رسمی و غیررسمی بین اعضای عمومی و سایر جنبه‌ها را شامل می‌شود. رسانه‌ها به‌عنوان پل ارتباطی بین دولت و مردم عمل می‌کنند. ارتباطات سیاسی را می‌توان به‌عنوان ارتباطی که مربوط به سیاست و شهروندان و شیوه‌های تعاملی است که این گروه‌ها را به یکدیگر متصل می‌کند، تعریف کرد.

در ساده‌ترین حالت، ارتباطات سیاسی، گفتگو بین سازمان‌های سیاسی (مانند احزاب سیاسی)، بازیگران سیاسی (مثلاً مقامات منتخب)، رسانه‌ها و شهروندان است. ارتباطات سیاسی یک رشته میان‌رشته‌ای است که علوم اجتماعی، ارتباطات استراتژیک و مطالعات رسانه‌ای را با سیاست و دولت ترکیب می‌کند. تکنیک‌ها و استراتژی‌های ارتباط سیاسی به طرفداران سیاست، مدیران روابط عمومی، نویسندگان سخنرانی، مدیران کمپین، مشاوران سیاسی، بازاریابان سیاسی، مقامات منتخب و دیگر متخصصان سیاسی اجازه می‌دهند پیام‌هایی را ایجاد، شکل دهند و توزیع کنند که می‌تواند بر روند سیاسی تأثیر بگذارد. پیام‌های سیاسی می‌توانند اشکال مختلفی داشته باشند، از جمله سخنرانی، رسانه‌های اجتماعی و آنلاین، تلویزیون و رادیو، قوانین و مقررات مکتوب، پیشنهادات خط‌مشی، مطالعات خط‌مشی، ارتباطات بین‌فردی بین نامزدها و رای‌دهندگان احتمالی، بیانیه‌های مطبوعاتی و غیره. لذا، چنانچه برای مک نیر نیز اشاره می‌کند، ارتباطات سیاسی، ارتباطات هدفمند درباره سیاست است و همه آن جنبه‌هایی را شامل می‌شود که «هویت سیاسی» یا «تصویر» را ایجاد می‌کنند (مک نایر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸: ۲۴)

علاوه بر این، ارتباطات سیاسی نیز یک زمینه تحقیقاتی دانشگاهی است. متخصصان این حوزه رابطه بین سه فرآیند ارتباط سیاسی را مطالعه می‌کنند: تولید (نحوه توسعه و انتقال پیام‌ها)، محتوا (آنچه در هر پیام وجود دارد) و تأثیر (نحوه دریافت و تفسیر پیام‌ها). برای مثال، محققان ارتباطات سیاسی ممکن است بررسی کنند که چگونه دولت‌ها دسترسی و ثبت اطلاعات شخصی آنلاین شهروندان (مانند آدرس‌های ISP) را به‌عنوان نوعی نظارت بر ارتباطات جمعی توجیه می‌کنند، یا این که چگونه رسانه‌های اجتماعی مرزهای ارتباطات خصوصی و عمومی را در رابطه با باورهای سیاسی و اعتقادات سیاسی محو می‌کنند. با

---

1. McNair

این حال، به باور رابرت دنتون و گری وودوارد، «عامل مهمی که ارتباطات را «سیاسی» می‌کند، نه منبع پیام، بلکه محتوا و هدف آن است» (دنتون و وودوارد، ۱۹۹۸: ۱۱).

### مطالعات پیشین

عبداللهی‌نژاد و افخمی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای، تعداد ۱۰۱ مقاله از میان نشریات علوم اجتماعی، نامه علوم اجتماعی، نشریه جهانی رسانه، پژوهش‌های ارتباطی و فصلنامه رسانه را مورد شناسایی قرار داده‌اند و مضامین اصلی آن‌ها را در حوزه‌هایی چون «انتخابات»، «مشارکت سیاسی»، «جنگ/ مبارزه با تروریسم»، «صلح و گفت و گو»، «اسلام‌هراسی»، «دموکراسی دیجیتال»، «جریان‌سازی خبری (جنگ روانی)»، «ایدئولوژی»، «مشروعیت و فرهنگ سیاسی»، «ارتباطات سیاسی»، «انقلاب و جنبش‌های انقلابی»، «جنبش‌های جدید اجتماعی در فضای مجازی»، «افکار عمومی»، «جهانی شدن»، «توسعه سیاسی»، «گفتگوی تمدن‌ها»، «گرایش سیاسی نخبگان»، «اینترنت و هویت»، و نیز «نقش رسانه در بحران»، را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند که نتایج پژوهش مذکور، نشان از کم‌توجهی دانشگران علم ارتباطات به حوزه‌های مطالعاتی جدید همچون مطالعات میان‌رشته‌ای در زمینه ارتباطات سیاسی دارد (عبداللهی‌نژاد و افخمی، ۲۰۱۱: ۱۰۵). یافته این تحقیق مدعی بیشتر طرح شده مبنی بر وزن کم تحقیقات میان‌رشته‌ای در زمینه ارتباطات سیاسی را تأیید می‌کند.

با این وصف، آنچه در بین به‌عنوان خلاء تحقیق مشاهده می‌شود آن است که سوبه تحقیقات موجود به بررسی نحوه تأثیرگذاری ارتباطات سیاسی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در محیط آشوب‌گون منطقه‌ای و به معنایی دیگر ورود به حوزه مطالعات بین‌المللی تمایلی نداشته است و تحقیقات مشابه دیگر نیز صرفاً بر بعد دیپلماسی رسانه‌ای متمرکز شده‌اند که مفهومی مضیق‌تر از ارتباطات سیاسی بوده که موضوع این نوشتار را از این حیث می‌توان وجه نوآورانه تحقیق پیش رو دانست.

### روش پژوهش

در این تحقیق برای بررسی نقش ارتباطات سیاسی در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در محیط آشوب‌گون بین‌المللی از روش «ردیابی فرآیند» بهره برده شده است. این روش تکنیکی است که در آن تحلیل‌گران کیفی تلاش می‌کنند که مکانیسم‌های علی‌ای را مشخص نمایند که متغیر تبیینی را به یک پیامد یا معلول پیوند دهد تا انگیزه‌های رفتاری افراد یا دولت‌ها در فرآیند تصمیم‌گیری را کشف و واکاوی نماید (جورج و مک‌کوان، ۱۹۸۵: ۵۷). البته تعاریف جدید و متأخرتر از این روش، آن را کاربردی‌تر ساخته‌اند، چنانچه حسب یکی از این تعاریف، هدف از این روش، گشودن جعبه سیاه فرایندهای علی در زنجیره علت و معلولی بین متغیر مستقل و متغیر وابسته از طریق داده‌های کیفی است (جورج و بنت، ۲۰۰۵: ۲۱). از همین روی، نگارنده تلاش می‌کند تا با شناسایی مکانیسم‌های علی، چگونگی و نحوه تأثیرگذاری حوزه‌های

سه‌گانه ارتباطات سیاسی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در محیط آشوب‌گون منطقه‌ای را مورد بررسی قرار دهد.

### مباحث نظری

اساساً قدرت، مفهومی مناقشه برانگیز و پدیده‌ای است که مورد اجماع نظریه‌پردازان علوم اجتماعی نبوده و درباره ماهیت آن در میان مکاتب نظری مختلف، تفاوت نظر وجود دارد تا جایی که قدرت از ماهیتی اثباتی و شیئی‌انگارانه در نظریات کلاسیک همچون رئالیسم و لیبرالیسم، به ماهیتی برساخته و امری پسینی در نظریات غیربنیادین یا به‌طور صریح‌تر نظریات سازه‌انگاری و پست مدرن تغییر ماهیت داده است. لذا، یکی از تحولات مفهومی در زمینه سرشت قدرت، به تغییر رویکرد از قدرت به‌مثابه امر مادی به قدرت به‌مثابه امری برساخته از درون هنجارها و ایده‌ها بازمی‌گردد؛ لذا، در نگاه متأخرتر نسبت به قدرت، آن را برساخته و متأثر از ادراکات بینادذهنی و هویت‌پایه کارگزاران می‌دانند؛ چنانچه ونت در مورد مفهوم هویت معتقد است که هویت عبارت است از آنچه چیزی را به آنچه که هست مبدل می‌کند. از این منظر، ونت هویت را در اساس یک ویژگی ذهنی می‌داند که ریشه در فهم کنشگران از خود دارد (ونت، ۲۰۰۵: ۳۲۶). البته معنای این فهم وابسته به این است که آیا کنشگران (دیگران)، کنشگر را به همان شکل بازنمایی می‌کنند یا نه، در این محدوده هویت واجد یک ویژگی بینادذهنی و نظام‌محور است و هم‌زمان دو انگاره وارد فرایند هویت‌سازی می‌شود: انگاره‌های خود و انگاره‌های دیگری. بر این اساس انگاره‌های بیرونی و درونی هر دو به هویت‌ها قوام می‌بخشند. البته سرشت این رابطه در شرایط مختلف متفاوت است و این نشان‌دهنده این است که هویت پدیده یکپارچه‌ای نیست که بتوان تعریفی عام از آن ارائه داد، بلکه در واقع انواع مختلفی از هویت وجود دارد که کاملاً با یکدیگر سازگار نیستند (ونت، ۲۰۰۵: ۳۲۶) در این بین، هویت‌های اجتماعی برداشت‌های خاصی تولید می‌کنند و به تصمیمات سیاست‌گذاری شکل می‌دهند. اینکه «خود» خود را دوست، رقیب یا دشمن «دیگری» بداند، تفاوت زیادی در تعامل میان آن‌ها ایجاد خواهد کرد (ونت، ۱۹۹۹: ۳۹۶-۳۸۴)؛ لذا در زمانه‌ای که استفاده از قدرت سخت‌افزاری محدودیت‌های فراوانی داشته و قدرت بازدارندگی به صورت یک واقعیت و توانمندی توزیعی در سطح نظام بین‌الملل حاصل شده، جنبه‌های نرم‌افزاری و قدرت اقناعی برای تغییر در سازه‌های هنجاری و ذهنی کنشگران اجتماعی از درجه بالاتری از اهمیت برخوردار شده است؛ چنانچه تسلط بر این جنبه از قدرت، می‌تواند به فتح میدان‌های نبرد بدون تمسک به قدرت سلاح منجر شود.

یکی از ابزارهای تأثیرگذار در امنیت نرم، رسانه در اشکال مدرن آن است. امروزه رسانه‌های اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی به صورت انبوه روابط اجتماعی را در سطح جهان گستر دستخوش تغییر قرار داده‌اند و قدرت معناسازی، نمادسازی و برسازی فوق‌العاده‌ای را از خود بروز داده‌اند. بر اساس قدرت اقناعی رسانه، پیام‌ها در تمامی اشکال خود، از ظرفیت بالایی برای نمادسازی و معناسازی در راستای خلق ایده‌های

مشترک در اذهان جامعه بشری برخوردارند و می‌توانند افکار جامعه را نسبت به معنویات خود جهت‌دهی کنند.

طبعاً این تغییر و دگرگونی در اشکال هویت اجتماعی در دوره پسامدرنیته و نیز در شرایط حاصل از نبود قطعیت پسامدرنیته، هم نقش و ساختار رسانه‌ها را دچار دگرگونی کرده و هم مبانی مرتبط با هویت اجتماعی را تغییر داده است. با این توضیح، نقش رسانه در عصر جهانی‌شده در ساخت قدرت، امری بدیهی بوده و قدرت‌های قاعده‌ساز قهراً قدرت برخوردار از سطح فوق‌العاده قدرت نرم نیز خواهند بود. با این مقدمه به بررسی تهاجم رسانه‌ای گسترده و سازمان‌یافته غرب ثروتمند سرمایه‌داری علیه جهان در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته فقیر اشاراتی می‌شود.

با بالا رفتن نفوذ اینترنت در زندگی مردم، قدرت از نوع حکومتی به نوع غیرحکومتی و نهادهای مستقر تحت شبکه‌های بی‌قاعده منتقل می‌شود (شواب، ۲۰۱۶: ۸۷). جهان جدید به‌وسیله اینترنت در حال شبکه‌ای شدن است. در این دنیای شبکه‌ای‌شده، آنچه جدید می‌نماید، جامعه شبکه‌ای و معماری شبکه‌سازی شده آن است که در آن گره‌های به هم پیوسته با ارتباطات مختلف درون شبکه قرار دارند و اثرات اجتماعی مختلفی را بر جوامع می‌گذارند. برخی محتوا را عنصر بسیار مهمی در شکل‌دادن به قدرت آینده می‌بینند؛ اما بررسی رخدادها و رفتارهایی که تاکنون به وجود آمده نشان می‌دهد که قدرت از مفهوم سنتی خود در حال تغییر است و عناصر قدرت‌ساز جدیدی ناظر به فناوری‌های ارتباطی در حال شکل‌گیری هستند. آن چنان که این موضوع حتی چالش حکمرانی آینده دولت‌ها شده است (خجسته باقرزاده و دیگران، ۲۰۲۰: ۱۷۰).

در عصر حاضر رسانه‌ها و بحران‌های سیاسی ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند. رسانه‌ها تحت یک شرایط اجتماعی و سیاسی خاصی در بحران‌ها به عنوان یک بازیگر تعیین‌کننده ایفای نقش می‌کنند. در شرایط بروز بحران میان دو یا چند کشور، رسانه‌ها می‌توانند طرف‌های مقابل را به عنوان تهدیداتی برای امنیت ملی، اقتصادی و اجتماعی یکدیگر معرفی و القاء کنند (زرگری‌باشی و دیگران، ۲۰۲۰: ۲۰۳). رسانه‌های نوین از جمله عوامل مؤثر بر کلید خوردن بحران بوده است. نقش رسانه در بحران‌های سیاسی دوره معاصر، به‌مثابه یک متغیر مستقل نیست؛ بلکه این مؤلفه به‌عنوان متغیری مداخله‌گر بر رویدادهای سیاسی تأثیر می‌گذارد (زرگری‌باشی و دیگران، ۲۰۲۰: ۱۹۶).

برایان مک‌نایر نیز معتقد است که در قرن بیست و یک میلادی رسانه‌های جهانی در بحران سیاسی نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند. مک‌نایر از طریق مطالعات موردی بر روی بحران‌های سیاسی داخلی و بین‌المللی مانند منازعات خاورمیانه و اوکراین، استدلال می‌کند که حوزه عمومی دیجیتال شده و جهانی‌شده که اکنون بازیگران سیاسی با آن روبرو هستند، فرصت‌های جدیدی برای پیشرفت اجتماعی و اصلاحات دموکراتیک ایجاد کرده است. از این‌رو، نقش رسانه‌های بین‌المللی در بحران‌های سیاسی را باید جدی گرفت (مک‌نایر، ۲۰۱۶).

گادی ولفسفلد<sup>۱</sup> نیز از کسانی است که در رابطه با بحران‌ها و منازعات سیاسی و نقش رسانه‌ها و رقابت آن‌ها بحث کرده است. او با در نظر گرفتن تحولات مهم منطقه غرب آسیا در سال‌های دهه ۱۹۹۰ میلادی مانند جنگ خلیج فارس، انتفاضه فلسطین و تلاش جناح راست رژیم صهیونیستی برای به خطر انداختن صلح این رژیم با فلسطین به نقش رسانه‌های خبری و رقابت بر سر کنترل آن‌ها در منازعات سیاسی پرداخته و معتقد است که بهترین راه برای درک نقش رسانه‌های خبری در سیاست بین‌الملل، مشاهده رقابت بر سر رسانه‌های خبری به عنوان بخشی از یک رقابت بزرگ‌تر و قابل توجه برای اعمال کنترل سیاسی است. وی از بین تعدادی از متغیرهای مؤثر بر بحران‌ها و منازعات سیاسی این سؤال را مطرح می‌کند که آیا رقیبان قادر به کنترل برنامه‌های رسانه‌ای هستند یا خیر؟ او استدلال می‌کند که درجه کنترل مقامات سیاسی بر محیط سیاسی متغیر اصلی است که استقلال یا عدم استقلال رسانه‌های خبری در یک منازعه سیاسی را تعیین می‌کند (ولفسفلد، ۱۹۹۷: ۲۵).

رسانه‌های نوین به‌عنوان یک متغیر مداخله‌گر بر مراحل مختلف بحران در دوره حاضر تأثیرگذار هستند. بدین معنا که رسانه‌ها در فرایند آغاز بحران به عنوان یک محرک عمل می‌کنند و زمینه را برای کلید خوردن بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی فراهم آوردند که این موضوع گواه از مهم بودن جایگاه رسانه در بحران‌های سیاسی و رقابت‌های منطقه‌ای است (زرگری‌باشی و دیگران، ۲۰۲۰: ۲۲۲).

از همین‌رو، با توجه به نقش‌آفرینی دولت‌ها در فرایندهای مؤثر بر امنیت ملی، دولت‌ها ملزم به سیاست‌گذاری نظام‌های اطلاعاتی و ارتباطی خود هستند چرا که اولاً این نظامات نقش قابل توجه و تأثیرگذاری در فرایندهای سیاسی دارند و دوم آن‌که فناوری‌های جهان‌گستر ارتباطی و اطلاعاتی بر پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی جوامع نیز حائز تأثیر هستند. همچنین با توجه به کارکردهای امنیتی و اقتصادی فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی، اهمال نسبت به سیاست‌گذاری واقع‌بینانه این نظامات می‌تواند پیامدهای ناگواری برای هر جامعه‌ای به دنبال داشته باشد.

### نسبت ارتباطات سیاسی و امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران

بررسی نحوه تأثیرگذاری ارتباطات سیاسی بر امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران در محیط آشوب‌گون منطقه غرب و جنوب غرب آسیا، نیاز به مذاقه در صورت‌های مختلف رفتار سیاسی کنشگران در عرصه‌های ملی و بین‌المللی دارد. با این وصف، آنچه تمامی این صورت‌ها را به صورت یک امر بین‌دهنی به جامعه مخاطب خود انتقال می‌دهد و منجر به برساختن تصویری از واقعیت نزد اذهان ایشان می‌شود را می‌توان در ذیل کارکردهای رسانه جستجو کرد. در واقع، رسانه، گسترده‌ترین بستر برای تصویرسازی‌هایی است که زیربنای قدرت یک کنشگر را در نظام بین‌المللی سامان می‌دهد.

با عنایت به بحران‌سازی‌های مختلفی که در محیط زیست پیرامونی جمهوری اسلامی ایران در حال وقوع است و دامنه این بحران‌ها گاه تا سطح ملی نیز رسوخ نموده و تأثیرات خود را نمایان می‌سازد، نیازمند توجهی راهبردی به مقوله ارتباطات سیاسی و نیز ارتباط وثیقی که میان ارتباطات بحران و مدیریت بحران وجود دارد، هستیم تا از رهگذر آن بتوان آسیب‌های ناشی از محیط آشوب‌گون منطقه‌ای را به حداقل ممکن تقلیل داد. لذا در ادامه به بررسی سه حوزه اصلی ارتباطات رسانه‌ای یعنی تولید، محتوا و تأثیر در زمینه امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران در قبال محیط آشوب‌گون منطقه‌ای پرداخته می‌شود.

### ۱- تولید

نخستین بخش از ارتباطات سیاسی به تولید یعنی نحوه توسعه و انتقال پیام‌ها مربوط می‌شود. تولید در ادبیات ارتباطات رسانه‌ای ناظر به نحوه توسعه و انتقال پیام‌ها از طریق کنشگران مختلف همچون احزاب، شخصیت‌ها و یا رسانه‌ها در هر جامعه‌ای می‌باشد. بر این اساس، سؤالی که مطرح می‌شود آن است که رفتار کنشگران ایرانی در قبال تحولات و بحران‌های سیاسی بین‌المللی و منطقه‌ای چه تأثیری بر ساخت قدرت کشور در نظام بین‌المللی داشته است؟ طبعاً فعالیت‌های رسانه‌ای از قبیل انتشار به موقع اخبار تحولات میدانی، مستندسازی وقایع، پاسخ‌گویی به شبهات مطرح شده و نیز ارتقای سطح پوشش مخاطبان از طریق بهره‌گیری از بسترهای نوین ارتباطی می‌تواند مانع از ازدیاد حجم تصویرسازی‌های غیرواقعی علیه کشور در اذهان عمومی شود.

در این بخش بررسی وضعیت ارتباطات سیاسی علاوه بر رسانه رسمی، به کنشگران ذره‌ای نیز اشاره دارد. شخصیت‌ها و احزاب سیاسی از طریق اعلام‌نظر پیرامون موضوعات روز نقش قابل توجهی در فرایند تولید محتوا دارند. طبیعتاً نوع مواجهه این بخش از جامعه در مقام نمایندگان جامعه مدنی به‌مثابه صدای هر جامعه تلقی شده و در ساخت ادراکات بیرونی تأثیرگذاری بسزایی دارد. بررسی تولید محتوا در این حوزه بر وجود تکثر دیدگاه و گاه دو قطبی‌های تشدیدشونده حکایت داشته که نشان از شقاق در درون جامعه مدنی و عدم اتفاق نظر میان نخبگان جامعه در موضوعات حاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و بین‌المللی دارد.

در بخش کنش رسانه رسمی، قرائت ایدئولوژیک و مورد نظر نخبگان حاکم از طریق تأسیس شبکه‌های برون‌مرزی همچون العالم، پرس تی وی، سحر، الکوثر، هیسپان تی وی، ایران پرس و هوسا تی وی، در گسترده وسیع جغرافیای سیاسی و انسانی همچون آفریقا، خاورمیانه، اروپا، آسیای میانه، مرکزی و جنوبی، و آمریکا در حال تولید محتوا است چنانچه این رسانه‌ها به‌مثابه ابزاری برای ارائه بی‌واسطه ایده‌ها، حقایق و مطلوبیت‌های نظام سیاسی کشور عمل می‌کند.

اما در سوی دیگر، در کنار کنش رسانه‌های رسمی، کنشگری احزاب و شخصیت‌ها نیز باید در ارتباطات سیاسی مورد نظر قرار گیرد. در این بخش برخلاف رویه حاکم در رسانه‌های رسمی، شاهد نوعی تکثر و آشفتگی در مواضع هستیم و گاه صدای واحدی در قبال مسائل کلان مرتبط با امنیت و سیاست خارجی کشور شنیده نمی‌شود که این امر نشان از عدم وفاق نخبگان کشور در زمینه اولویت‌های منافع ملی دارد و



می‌تواند موجب ایجاد اختلال در روندهای قدرت‌ساز برای کشور شود. برای ترمیم این نقیصه، باید توجه نمود که اساساً فرهنگ سیاسی تکثرگرا را نمی‌توان با رویکرد تجویزی دستوری مدیریت نمود بلکه لازم است تا در اولویت‌های منافع ملی همگرایی بیشتری ایجاد کرد تا تأثیر کنش کنشگران اجتماعی در راستای ترمیم و تقویت روندهای قدرت‌ساز برای کشور قرار گیرد؛ لذا، بررسی تولید محتوا در دو گروه یاد شده یعنی کارگزاران نهاد جامعه مدنی و رسانه رسمی نشان از عدم اتفاق و هم‌نوایی در حوزه مسائل ملی و منطقه‌ای داشته که این امر می‌تواند زمینه برای اجرای پروژه‌های عملیات روانی و رسانه‌ای را علیه امنیت ملی فراهم آورد. همچنین در مقوله تولید توجه به این نکته ضرورت دارد که در دنیای امروزی که اخبار و اطلاعات در لحظه در اختیار مخاطب قرار می‌گیرد، سازمان رسانه‌ای کشور باید تلاش کنند ضمن سرعت در عمل، با دقت و اطمینان بیشتر اخبار را در اختیار مخاطب قرار دهند. بنابراین سریع و آنی بودن ارتباطات جمعی معاصر، وسعت جهانی حوزه انتشار، فراوانی و گوناگونی محتوا و مداومت انتشار از جمله مباحثی است که در نیازسنجی‌های مخاطب باید بدان توجه ویژه داشت.

همچنین با عنایت به ظهور جنبه‌های روزآمد از فرایندهای دیپلماتیک تحت تأثیر فناوری‌های نوین ارتباطی، همچون دیپلماسی توییتری، تولید در این عرصه از اهمیتی مضاعف برخوردار می‌شود. لذا، دیپلماسی در اشکال جدید خود همچون دیپلماسی مجازی و کنش کنشگران این حوزه بر بستر پلتفرم‌های نوین ارتباطی منجر به شکل‌گیری نسل جدیدی از کنش دیپلماتیک شده است که گسترش ضریب نفوذ اینترنت و تسهیل دسترسی به رسانه‌های اجتماعی جهان‌گستر نقش بسزایی در این زمینه ایفا نموده است (برجلی‌زاده و دیگران، ۲۰۲۰: ۵۷).

توجه به نقش ابزارهای فناورانه در حوزه ارتباطات سیاسی آنجاست که به نقش قدرت تأثیرگذاری این نهادهای نوین در حوزه امنیت ملی توجه کرد. چنانچه اریکسون و گیاکملو<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) بر نقش دوگانه و یا ویژگی شمشیر دو لب برای فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی تأکید دارند. به باور آنها قدرت‌های برخوردار از دانش این فناوری‌ها هم زمان با در اختیار داشتن انحصار این دانش می‌توانند زیرساخت‌های کشورهای دیگر را مورد تهدید خود قرار دهند و از سوی دیگر، با استفاده از ظرفیت قدرت‌ساز مکنون در این ابزارهای فناورانه، از طریق اشاعه قدرت نرم خود به تعقیب منافع و منویات بیشنه‌خواهانه خود در عرصه نظام بین‌المللی اقدام نمایند. طبعاً در چنین شرایطی، شناخت شامل و دقیق از قابلیت‌های فناوری‌های نوین ارتباطی به‌عنوان جنبه‌ای از قدرت و نیز نحوه نقش‌آفرینی آن در تحولات محیط بین‌الملل از اهمیت فراوانی برخوردار می‌شود (اریکسون و گیاکوملو، ۲۰۰۷: ۲۵۱).

با این وصف، و به نظر به اهمیت نقش فناوری‌های نوین ارتباطی در تولید محتوا، باید توجه داشت که نظام سلطه در صدد محدود نمودن کنش ارتباطاتی ایران با جهان خارج است و در نتیجه، به دلیل محدود بودن ابزارهای ارتباطی جمهوری اسلامی ایران در عرصه تبلیغات بین‌المللی، مهم‌ترین و اصلی‌ترین مکانیزم

1. Eriksson & Giacomello

تأثیرگذاری جمهوری اسلامی ایران، بهبود و تدقیق راهبردهای خود برای بهره‌برداری حداکثری از حداقل امکانات خود به ویژه در حوزه رسانه‌ای است. لذا نظام جمهوری اسلامی ایران باید اعتبار و قدرت نرم خود را با عملکرد داخلی و بین‌المللی سپهر رسانه‌ای خود منظم‌تر و علمی‌تر افزایش دهد. تحقق این امر مستلزم تدوین راهبردهای کارا و مؤثر برای نظام جمهوری اسلامی ایران جهت ارتقای دیپلماسی رسانه‌ای ج.ا.ا. در راستای توسعه پایدار فرهنگی ایران در دوران پسابرجام است. این راهبردها به نظام ج.ا.ا. کمک می‌کند با استفاده از همه ظرفیت رسانه‌ای خود برای (سپهر رسانه‌ای) حضور مؤثر رسانه‌ای در فرهنگ جهانی و تأثیرگذاری بر ملت‌های جهان داشته باشد (امین‌فرد، ۲۰۱۷: ۱۴۴).

در مجموع، تولید محتوا در اشکال مختلف کارگزاران رسمی و جامعه مدنی در موضوعات حاد حکایت از وضعیتی مطلوبی نداشته و فقدان اتفاق نظر موجب می‌شود تا تصویر برساخته‌ای مشوش از مطلوبات ملی در اذهان عمومی خلق شود.

## ۲- محتوا

محتوا یا آنچه در هر پیام وجود دارد، دومین رکن در ارتباطات سیاسی است. یکی از مهم‌ترین وجوه ارتباطات سیاسی بعد از ابزار و شیوه تولید پیام، جنس و ماهیت پیام است. به طور کلی، می‌توان رسانه‌ها را یکی از مهم‌ترین نیروهای فعال در ایجاد تغییرات اجتماعی در جوامع قلمداد کرد (خواجهمسروی و بیات، ۲۰۱۶: ۱۰۶)

به واسطه نوع محتوای تولید شده توسط رسانه‌ها امروزه عملکرد رسانه‌ها از نقش سازنده و صلح‌ساز به نقشی مداخله‌گراییانه و خصمانه میان کشورها تبدیل شده است؛ چنانچه کشورهای برخوردار از قدرت قاعده‌سازی در این حوزه تلاش می‌کنند تا با بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت‌های نرم رسانه‌های جمعی از آن به عنوان ابزاری برای تحصیل منافع ملی خود بهره‌گیرند و از رسانه به مثابه یک ابزار جنگی برای تعقیب منویات و مقاصد سیاسی خویش استفاده نمایند. طبعاً در این کارزار رسانه‌ای کشوری برنده میدان خواهد بود که هم از حیث توان سخت‌افزاری و هم در زمینه ارتباطات، متقاعدسازی و تولید جلوتر از رقیبان خود حرکت کند (نقیب‌السادات، ۲۰۱۰: ۸۳-۸۴). از همین منظر یکی از اصلی‌ترین وظایف و کارکردهای رسانه‌ها در زمینه سیاست‌گذاری محتوایی، فراهم‌آوردن مجاری ارتباطی برای امتناع از شکل‌گیری تنش، افزایش آن و دست‌آورد، اطفاء آتش اختلافات میان کنشگران در عرصه بین‌المللی است.

نکته دوم در زمینه محتوا، تلاش برای تصویرسازی واقع از ماهیت کنش سیاست خارجی کشور در عرصه بین‌المللی است؛ امری که امروزه در کانون توجهات نظام رسانه‌ای غرب و به یک معنا تمامی کنشگران فعال در زمینه ارتباطات سیاسی جریان رقیب جمهوری اسلامی ایران قرار داد. چه این‌که شاهد تلاش گسترده و نظام‌مندی برای ساخت تصویری وارونه و مخدوش از جمهوری اسلامی در میان طیف گسترده‌ای از احزاب سیاسی، شخصیت‌ها و رسانه‌های متخاصم هستیم که توانسته است اذهان افکار عمومی را متأثر از خود سازد و هجمه‌های ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی را در جهان معاصر شکل بخشد. این مسئله بر لزوم

برنامه‌ریزی فعالانه و هوشمندانه برای بهره‌مندی حداکثری از ظرفیت دیپلماسی رسانه‌ای برای تحصیل منافع ملی تأکید دارد.

### ۳- تأثیر

سومین وجه از ارتباطات سیاسی به حوزه تأثیر یا همان نحوه دریافت و تفسیر پیام‌ها بازمی‌گردد. ارتباطات جمعی که امروزه به واسطه سرعت شگفت‌آور فرایند دموکراتیزاسیون فناوری در گستره جهانی در دسترس است موجب شده تا ایده «هر شهروند، یک رسانه» تحقق یابد و افراد بشر به ساده‌ترین روش می‌توانند به انعکاس ایده‌ها، نظرات و علاقمندی‌های خود اقدام کنند. لذا، این خصیصه موجب شده است تا اشکال سنتی سیاست قدرت متأثر از آن به اشکال جدیدتری تغییر یافته و قدرت شبکه‌ای شده را به منصفه ظهور برساند. به قول «ملوین دفلور» و «اورت دنیس»، جوامه امروزی از هر حیث وابسته به ارتباطات اجتماعی هستند و هرگونه اقدامی برای مطالعه و فهم شیوه‌های کنش رسانه‌های جمعی می‌بایست با این واقعیت آغاز شود که رسانه‌های جمعی جزء لاینفکی از زندگی روزمره ما هستند و این رسانه‌های نوین نقش محوری و بی‌بدیلی در ارتباطات اجتماعی ما ایفا می‌کنند چنانچه بشر عمیقاً به محتوای آن وابسته شده است (دفلور و دنیس، ۲۰۰۴: ۳۳)؛ به مدد همین قدرت تأثیرگذاری فوق‌العاده ارتباطات، امروزه ابزارهای فناورانه و رسانه‌های نوین از قابلیت و توانایی تأثیرگذاری و هدایت و راهبردی قابل‌توجهی بر کنشگران سیاسی برخوردار هستند چنانچه می‌توان چنین اذعان نمود که عینی‌ترین نمود تأثیرگذاری رسانه‌ها در حوزه کنش سیاسی نمایان است و بسیاری از منازعات و چالش‌های سیاسی به وسیله و میدان‌داری رسانه‌ها شکل و یا از میان رفته‌اند. در خصوص نقش ارتباطات سیاسی در روندهای قدرت‌ساز باید به یک فرایند دوسویه و رفت و برگشتی توجه داشت که میان نظام داخلی و محیط بین‌المللی در تبادل است. این بدان معناست که نحوه دریافت و تفسیر پیام‌ها نزد مخاطبان، منجر به برساخته‌شدن تصویری از امر واقع می‌شود که محصول دو فرایند پیشین یعنی فرایند تولید و محتواست و هر دو سویه این ارتباط در شکل‌بخشی به آن سهیم هستند، لذا به هر میزان که این حوزه‌های سه‌گانه ارتباطات سیاسی در داخل منسجم‌تر و سازمان‌دهی‌شده‌تر برنامه‌ریزی و تمهید شود، مانع از تصویرسازی ناصواب جریان مقابل می‌شود.

باید توجه داشت رسانه‌ها از دو طریق می‌توانند در عملیات تصویرسازی ذهنی نقش‌آفرینی داشته باشند. نخست آن‌که با ارائه یک تصویر مطلوب و آرمانی به فرایند ساخت امنیت در محیط داخلی کمک نمایند و در جهتی ایجابی و سازنده کنش داشته باشند و دوم آن‌که با ارائه تصویری وارونه، مخدوش و یأس‌آلود به تشویش اذهان و افکار عمونمی اقدام نمایند و به عنوان کارگزار ساخت تهدید هنجاری در جامعه عمل کنند. از همین منظر، تصویر ذهنی مخاطبین رسانه‌های ماهواره‌ای در خصوص اعتماد عمومی مردم به نظام و اعتماد آنان به نیروهای مسلح به‌عنوان حافظان نظام به‌طور معناداری پایین‌تر از اعتماد عمومی مخاطبین رسانه ملی می‌باشد. این نتایج نشان می‌دهد که رسانه‌های ماهواره‌ای در حد نسبتاً زیادی توانسته‌اند در

تصویب‌سازی ذهنی مخاطبین خود موفق عمل کنند. این رسانه‌ها در سیستم‌های شناختی مخاطبین خود نفوذ کرده و نوع توقع و خواسته آنان را از جامعه هدایت می‌کنند (باصری و حاجیانی، ۲۰۱۰: ۹۰).

اصولاً پندار بر این است که رسانه‌های جمعی نقشی دوگانه دارند چنانچه از یک سو می‌توانند وحدت اجتماعی را تهدید کنند و از سوی دیگر، علاجه‌ی برای تهدیدات و مخاطراتی باشند که از طرف سایر نیروهای اجتماعی متوجه وحدت اجتماعی باشند هرچند این موضوعات متضمن نوعی ارزش‌گذاری هنجاری هستند و ممکن است ادراکات افراد نسبت به این هنجارها متفاوت باشد. از این رو، ممکن است کنترل اجتماعی مطلوب برای برخی، در نزد دیگری به معنای زیر پاگذاشتن آزادی قلمداد شود و یا این که اعمال سلیقه فردی نزد کسی، برای دیگری شاهدهی باشد برای تجزیه اجتماعی یا خصوصی‌شدن (مک کوایل، ۲۰۰۴: ۱۳۲).

لذا با توجه به این که اساساً رویکرد ما نسبت به فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، ارتباطی یک سویه و عمدتاً مصرف‌کننده است، موجب شده تا فرهنگ فناوری خصلتی مهاجم داشته باشد. بنابراین، شاهد تشدید روند جامعه‌پذیری ارزش‌ها و نظام هنجاری حاضر بر بستر فناوری‌های نوین غیربومی هستیم که این امر در درازمدت، می‌تواند نظام هنجاری مهاجم را جایگزین نظام هنجاری بومی کند.

از همین منظر، برون مرزی صداوسیما ایران می‌تواند در زمینه چالش‌های ناشی از برساختگی تصویر مخدوش از جمهوری اسلامی دست به گفتمان‌سازی و هنجارسازی نماید. همچنین در بخش دیگر کنشگران دخیل در این فرایند می‌توان با برگزاری کرسی‌های ملی نظریه‌پردازی، سمینارها و کنفرانس بین‌المللی در کنار حمایت مالی و معنوی از انجام پژوهش‌های علمی و انتشار یافته‌های آن در سطح بین‌المللی، مانع از این تصویرسازی ناصواب شد (منتظران و موسی‌زاده، ۲۰۲۰: ۲۲).

### نتیجه‌گیری

این تحقیق به دنبال ارائه پاسخی تحلیلی به این سؤال بود که ارتباطات سیاسی چگونه می‌تواند بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران‌های منطقه‌ای تأثیرگذار باشد؟ نگارنده با انتخاب روش ردیابی فرایند به دنبال یافتن مکانیسم‌های علی‌ای بود که متغیر تبیینی را به یک پیامد یا معلول پیوند می‌دهد تا از رهگذر آن بتوان انگیزه‌های رفتاری افراد یا دولت‌ها در فرایند تصمیم‌گیری، کشف و واکاوی نماید. از این رو، تلاش شد تا تمرکز بر حوزه‌های سه‌گانه ارتباطات سیاسی یعنی تولید، محتوا و تأثیر نسبت به این مهم اقدام شود و وجه ارتباطی این حوزه‌های سه‌گانه با فرایند ساخت قدرت در جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی قرار دهد.

یافته‌های این تحقیق به شرح ذیل قابل ذکر است:

۱- در بخش کنشگران دخیل در حوزه ارتباطات سیاسی همگونی معناداری میان بازیگران ذره‌ای و خرد مثل شخصیت‌ها و احزاب با شبکه‌ی رسانه‌ای رسمی کشور وجود ندارد. بدان معنا که هر چند مجموعه سازمان رسانه‌ای کشور به صورت هدفمند در تلاش است تا در زمینه تولید و محتوا، اقدامی سامان‌دهی شده و متمرکز انجام دهد، ولی در دسته نخست کنشگران به دلایل مختلف از جمله فقدان اجماع بر سر منافع

ملی شاهد چنددستگی و تشتت آراء هستیم که این موضوع هم در حوزه تولید و هم در محتوا ناهماهنگی‌های بسیاری را ایجاد می‌نماید. طبعاً عدم اجماع بر مباحث و موضوعات مرتبط با سیاست عالی نظام می‌تواند منجر به هدر رفت منابع و در نتیجه فروکاست روندهای قدرت‌ساز در سطح ملی شود؛ امری که می‌تواند به‌مثابه چالشی برای امنیت ملی کشور تلقی شود.

۲- در بخش تولید، نکته دیگر قابل طرح به نحوه توسعه و انتقال پیام‌ها بازمی‌گردد. ارتباطات سیاسی در کشور به شدت متأثر از سازمان رسانه‌ای رسمی چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی است و عمده منابع کشور نیز به این شبکه اختصاص می‌یابد. با این وصف علی‌رغم سرمایه‌گذاری قابل توجه در این بخش در مقام قیاس با دیگر رسانه‌های بین‌المللی که قدمتی مشابه با آنچه در ایران هست دارند، می‌توان چنین اذعان نمود که کنش رسانه‌ای نتوانسته است ارتباط معناداری با جامعه هدف ایجاد نماید و هر چند در برخی از مقاطع در برخی از جغرافیایی مخاطبان تأثیرگذار بوده است ولی در شرایط فعلی و در رقابت با دیگر رسانه‌ها عملکرد موفق‌تری را به نمایش نمی‌گذارد. لذا، برای ترمیم کاستی‌های این حوزه لاجرم از ارتقای سطح کیفی و نیز افزودن وجوه خلاقانه و پیش‌رو در زمینه کنش رسانه‌ای هستیم. طبعاً سرعت در انتقال اخبار، ارائه تحلیل‌های قریب به واقع، مخاطب‌شناسی، نیازسنجی، و از همه مهم‌تر، ایجاد حلقه وصل میان کنش رسانه‌ای با منافع ملی کشور می‌تواند علاوه بر ساخت تصویری شایسته از کنش جمهوری اسلامی ایران و نیز حقیقت لایه‌های پنهان تحولات و نیز ماهیت آشوب‌گون نظام بین‌المللی، به تقویت روندهای ساخت قدرت ملی نیز کمک نماید.

۳- در زمینه محتوا، باید اذعان نمود که امروزه با حجم قابل توجهی از تصویرسازی‌های رسانه‌ای مواجه هستیم که در درون فرایند ارتباطات سیاسی به‌طور مستقیم به مبانی گفتمانی و نیز کنش اعلانی جمهوری اسلامی حمله‌ور هستند از جمله مهم‌ترین دعاوی رسانه‌ای این جریان به تصویرسازی نسبت به نحوه مواجهه جمهوری اسلامی ایران با حقوق بشر، کنش منطقه‌ای آن و نیز برنامه هسته‌ای و موشکی کشور باز می‌گردد. هجمه‌ای که با هدف القای تصویر یک کنشگر بحران‌آفرین از ایران در نزد افکار عمومی جهانی در حال پیگیری است. لذا، اقتضا می‌کند تا در زمینه محتوا توجه بیشتری به این مباحث صورت پذیرد و مانع از ایجاد یک اجماع بین‌المللی علیه کشور در سطح نظام بین‌المللی شد. طبعاً علاوه بر رویکرد پدافندی، نیاز است تا رویکرد آفندی نیز در دستور کار سیاست‌گذاران نظام رسانه‌ای کشور قرار گیرد و خوانش انتقادی از نظم موجود و ماهیت فسادآمیز آن به اطلاع افکار عمومی جهانی به بهترین شیوه ممکن رسانیده شود.

۴- در زمینه تأثیر نیز باید توجه شود که اساساً پویایی ارتباطات سیاسی جز از طریق فهم شایسته ماهیت و نحوه تأثیرگذاری ابزارهای نوین ارتباطی قابل درک نیست. لذا، لازم است تا زمینه ارتقای سطح سواد رسانه‌ای جامعه اقدام مؤثری انجام شود و ابزارها و دانش لازم برای بهره‌مندی هر چه شایسته‌تر افراد جامعه از این بستر فناورانه در اختیار ایشان قرار گیرد. طبعاً هر چه کاربران این فضای جهانی از مخاطرات و فرصت‌های مکنون در رسانه‌های اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی آگاهی داشته باشند، کمتر از آثار سوء آن

متضرر خواهند شد. از طرف دیگر، رهاسازی این ابزارهای نوین ارتباطی نیز می‌تواند موجب چالش‌های قابل‌توجهی برای کشور باشد و از همین روی نیازمند یک سامانه جامع برای تدوین سیاست رسانه‌ای کشور هستیم تا از قبل آن بتوان نسبت به پیشینه‌سازی منافع ملی و تقویت روندهای قدرت‌ساز اقدام شود.

## References

- Abdullahi Nejad, A.; Afkhami, H. (2011). "Political communication in Iran: meta-analysis of scientific articles". *Contemporary political essays*, 3 (1). (In Persian)
- Ameri, H. (2011). *The principles of international relations*. Sixth editor, Tehran: Age. (In Persian)
- Amin Fard, A. (2017). "Strategies to promote diplomacy in the field of Iran's cultural development for the post-Jarq era". *Quarterly Journal of the Iranian Association for Cultural and Communication Studies*, 14 (50). (In Persian)
- Bagherzadeh, H.; Bagherzadeh, K. (2020). "Evolution of power components in the age of network". *New Media Quarterly*, 7 (28). (In Persian)
- Berger, P., (1966). "Identity as a Problem in the Sociology of Knowledge". *European Journal of Sociology*. 7(1).
- Borj Alizadeh, M.; Jafari, A.; Kordi, N. (2020). "The role of new communication technologies in the expansion of diplomacy in the international arena (case study: university professors, media experts and researchers)". *Communication research*, 28 (1). (In Persian)
- Castells, E. (2013). *The power of communication*, translated by Hossein Basirian, Tehran: Research Institute of Culture, Art and Communication. (In Persian)
- Castells, M. (2011). "A Network of Power". *International Journal of Communication*, vol. 5: 773-787.
- Daneshnia, F. (2014). "Alexander Wentz's Constructivism: Refusal of International Relations Theoretical Deadlocks and Reaching a Middle Way". *Contemporary Political Essays*, No. 2. (In Persian)
- Deflore, M.; Dennis, E. (2004). *Understanding mass communication*. Translated by Siros Moradi, Tehran: Publications of the School of Broadcasting. (In Persian)
- Denton, R.E., and Woodward, G.C. (1998). *Political Communication in America*. New York: Praeger.
- Eriksson, J., and Giacomello, G., (2007). *International Relations and Security in the Digital Age*, London: Routledge.
- Fearn-Banks, K., (2017). *Crisis Communications: a Casebook Approach (Fifth ed.)*. New York, NY.
- George, A. L., and Andrew Bennett. (2005). *Case Studies and Theory Development in the Social Sciences*. Cambridge, MA and London, England: MIT Press.

- George, A. L., and Timothy J. McKeown. (1985). "Case Studies and Theories of Organizational Decision Making." *Advances in Information Processing in Organizations*, 2: 21-58.
- Khajesarvi, Gh; Bayat, M. (2016). "Adopt media policy in the Islamic Republic of Iran". *Religion and Communication*, 24 (2). (In Persin)
- Khajesarvi, Gh; Rahmati, M. (2012). "Islamic Revolution of Iran and Shia political discourse in Iraq". *Islamic Revolution Research Journal*, 1 (3): 29-58. (In Persin)
- Komen, I.; Mora Rodriguez, R.; Gregor, M.; Novelli, E. (2020). *Corona and political communication: governance and rhetoric in times of crisis*. Tehran: Iran Newspaper Publishing Institute. (In Persin)
- McNair, B., (2016). *Communication and Political Crisis: Media, Politics and Governance in a Globalised Public Sphere*. New York: Peter Lang: International Academic Publishers.
- McNair, B., (2018). *An Introduction to Political Communication*. London New York: Routledge.
- McQuail, D. (2004). *An introduction to the theory of mass communication*, translated by Parviz Ajjali, Tehran: Media Studies and Research Center of the Ministry of Culture and Islamic Guidance. (In Persin)
- Misai, Q.; Dinparast, F.; Golestan, M.; Jafari, M. (2019). "Media identification during nuclear negotiations". *Culture-Communication Studies*, 21 (51). (In Persin)
- Mohsenianrad, M. (1992). *News interview methods*, Tehran: Media Studies and Research Center, Ministry of Guidance. (In Persin)
- Montazeran, J.; Musazadeh, R. (2020). "Human rights violations in pharmaceutical restrictions caused by Washington's sanctions against Iran; how they represent America in the American media". *Research Journal of International Media*, 6 (7). (In Persin)
- Motaghi, E.; Kazemi, H. (2007). "Structuralization, identity, language and foreign policy of the Islamic Republic of Iran". *Policy*, No. ۴. (In Persin)
- Naqib al-Sadat, S. R. (2010). "Western media threats and the role of Basij in removing threats". *Basij strategic studies*, 13 (48). (In Persin)
- Nye, J. S. (2008). *Power in the age of information from realism to globalization*. Translated by Seyed Saeed Mirtrabi, Tehran: Research Center for Strategic Studies. (In Persin)
- Nye, J. S. (2011). *The future of power*. Translated by Reza Murad Sahrai, Tehran: Harufiyeh. (In Persin)
- Nye, J. S., (1990). "The Changing Nature of World Power". *Political Science Quarterly*, 105 (2), 177–192.
- Price, R.; Reus-Smith, Ch., (2016). "Dangerous relationship? Critical theory of international relations and the school of reconstruction", in: *Collection of essays on neorealism, critical theory and the school of reconstruction*, by Andrew Linklater, translated by Alireza Tayeb, Tehran: Bureau of Political and International Studies. (In Persin)
- Schwab, K. (2016). *Fourth Industrial Revolution*, translated by Morteza Shani, Tehran: Commercial Publishing Company. (In Persin)
- Sheikh al-eslami, M. H.; Nouri, H. (2016). *Public Diplomacy (Volume I)*. Tehran: Printing and Publishing Center of the Ministry of Foreign Affairs. (In Persin)

- 
- Wendt, A., (1999). *Social Theory of International Politics*, Cambridge: Cambridge University Press.
  - Went, A. (2005). *Social Theory of International Politics*, translated by Hamira Moshirzadeh, Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publications. (In Persian)
  - Wolfsfeld, G., (1997). *Media and Political Conflict: News from the Middle East*. Cambridge: Cambridge University Press.
  - Zabeti, M.; Ali Hosseini, A.; Imam Jumezadeh, S. J. (2016). "Opportunities of Shia political Islam in the globalization environment". *Islamic World Political Research*, 7 (4):147-165. (In Persian)
  - Zargaribashi, S. R.; Lotfi, Milad. (2020). "New media and highlighting in international and regional crises; A case study of Qatar's diplomatic crisis (2017-2020)". *New Media Studies*, 7 (28). (In Persian)
  - Zehfuss, M. (2001). "Constructivism and Identity: A Dangerous Liaison", *European Journal of International Relations*, 7(3).